

ادامه از صفحه اول

کوبایی که من می‌شناسم

کتاب «مبانی توسعه پایدار به ایران» که در سال ۱۳۹۲ ازسوی نشر علم با همکاری برخی از دیگر همکاران دانشگاهی‌ام مانند دکتر سریع‌القلم، دکتر هادی زدن وو... منتشر شده است، می‌تواند برای دوستان قابل مراجعه باشد. درباره بند پنج گفتنی است اصولا اعتقادی به خشونت نداشته و ندارم و نه‌تنها خشونت کشورها را به سمت اهداف هرچند والا هدایت نخواهد کرد که هزینه‌های زیادی بر کشورهای ما ملتح‌ها تحمیل می‌کند. راه برون‌رفت از مشکلات ساختاری انتقال قدرت از طرق مسالمت‌آمیز است. نمونه‌ن آنچه در آفریقا جنوبی اتفاق افتاد موردی در انتقال قدرت بدون خشونت بود که با هزینه بسیار کمی انجام شد. در این کشور حاکمان سفیدپوست و نژادپرست به مرحله‌ای رسیدند که متوجه شدند در دنیای امروز با آپارتاید و تبعیض نژادی نمی‌توانند کشور را اداره کنند؛ بنابراین دکلر، رئیس‌جمهور سفیدپوست آفریقای جنوبی، پیشگام آزادی ماندلا از زندان شد و تمهیداتی اندیشید تا با انتقال قدرت به او، از خشونت‌ی که ممکن بود کشور را دچار بحران کند، جلوگیری شود. ماندلا به‌وسیله همکاری با دشمن سابق خود وظیفه خطیری را عهده‌دار شد و پس از اینکه به‌عنوان رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی سوگند یاد کرد، دکلر، رئیس‌جمهور سفیدپوست را به‌عنوان معاون خود برگزید تا با همکاری یکدیگر برای اداره مسالمت‌آمیز کشور اهتمام ورزند؛ برخی از همفکران ماندلا و بعضی از سیاه‌پوستان به این رویه ماندلا اعتراض کردند؛ اما او به‌درستی مقاومت کرد و گفت: «می‌بخشیم؛ اما فراموش نمی‌کنیم». به‌راستی اگر ماندلا قرار بود مانند سفیدپوستان خشونت به خرج دهد، چه فرقی بین او و نظام آپارتاید وجود می‌داشت؟ در اینجا علاوه بر ماندلا دنیا باید از دکلر که هوشمندانه زمینه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را فراهم کرد و کشورش را از بحران و خشونت رهاپند نیز تقدیر کند. درباره بند ششم انتقادها، نگارنده از نگاه یک انسان و نیازهای فیزیولوژیک و همین‌طور نیازهای فرهنگی و معنوی او به موقع نگاه کرده است. فقر و ناتوانی یک انسان برای رفع نیازهای معیشتی خود غرب و شرق ندارد. ما باید براساس داده‌های قابل استناد، قابل اندازه‌گیری و قابل آزمون محاسبه کنیم؛ برای مثال یک انسان حداقل در روز به دو هزار کالری مواد غذایی نیازمند است، اگر این حداقل موادهایی برای وی فراهم نباشد با مشکل سوءتغذیه مواجه خواهد شد. ممکن است گفته شود نیازهای روحی و معنوی که کمی‌پذیر نیستند و با معیارهای کیفی سنجیده می‌شوند، مهم‌تر هستند، پاسخ را باید از زبان پیامبر عظیم‌النشان اسلام شنید که فرمود: «کاد الفقر أن یكون کفرا»، نیازهای مادی و معنوی یک انسان به صورت ارگانیکال به هم پیوسته‌اند. نمی‌توان به بهانه ارضای نیازهای معنوی از نیازهای مادی چشم‌پوشید. مطالعات نشان‌دهنده آن است که آسیب‌های اجتماعی رابطه منفه‌داری با بی‌کاری، فقر و دسترسی‌ناداشتن به حداقل‌های ضروری زندگی دارد. درباره آخرین بند از انتقادها که گفته شده است باید کوبا را با قبل از انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد این قیاسی مع‌الافارق است؛ گاهی در ایران هم چنین مقایسه‌ای انجام می‌دهند، این مقایسه مانند آن است که انسانی عاقل و بالغ و البته قدرتمند را با دوران نوزادی او که قادر به هیچ یک مگس از خود نیست مقایسه کنیم. انسان ۵۰ سال پیش را با انسان امروزی نمی‌توان مقایسه کرد؛ نیازهای او متفاوت است، توقعات او، توقع نیازهای او، امکان مقایسه با دیگر انسان‌ها و... چنین مقایسه‌ای را ممکن نمی‌سازد. به هر تقدیر نگارنده در آن مطلب مختصر با اشاره به فقر حاکم بر مردم کوبا اشاره کرده بود که کاسترو کشور کوبا را از یوغ استعمار آمریکا نجات داد؛ اما خود این کشور را گروگان گرفت و تاکنون که بیش از ۵۶ سال از این انقلاب می‌گذرد، قدرت در خانواده کاسترو متمرکز شده است. مهم‌تر آنکه اگر آمریکا در انقلاب کوبا نفی و طرد شد؛ اما همین کشور به یکی از پایگاه‌های شوروی تبدیل شد. شوروی با استفاده از این فرصت موشک‌های خود را در کوبا مستقر کرد و به تنش روابط دو ابرقدرت شرق و غرب و بحران موشکی کوبا منجر شد. در این زمینه کتاب آلپس، با عنوان «شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا؛ تشریح بحران موشکی کوبا» مورد مناسبی برای مطالعه است، در آن کتاب نوشته است با مقایسه تطبیقی کوبا و پاناما، هوانا با مردمی بسیار فقیر، شهری که به یک جلی آباد بزرگ شبیه بود با پاناماسیتی توسعه‌یافته و با مردمی برخوردار؛ که هر دو در یک منطقه جغرافیایی و قابل مقایسه با هم قرار دارند، نتیجه گرفته بودم اگر استبداد حاکم بر کوبا و استعمار پاناما از مقایسه کنیم، استعمار نسبت به استبداد شرافتمندتر است. گفتنی است این مقایسه به معنای پذیرش استعمار نیست، بلکه در مقایسه با استبداد است. همچنین منتقدان، کوبای کنونی را که سال‌هاست اصلاحات سیاسی و اقتصادی را پیشه کرده، با خاطرات ۱۵ سال پیش نگارنده مقایسه کرده‌اند. امروز درآمد سرانه این کشور کمتر از شش هزار دلار است که برای جمعیت ۱۱ و نیم‌میلیونی کوبا رقم بسیار پائینی است و هم‌اکنون این کشور در ردیف کشورهای فقیر جهان است و اما درباره سیاست‌های استبدادی و تک‌حزبی کاسترو هم کافی است به اعدام‌های دسته‌جمعی، مهاجرت‌ها و پانگنه‌های گروهی به سفارتخانه‌های خارجی، آوارگی حدود ۱۰ درصد جمعیت کوبا به دیگر کشورها، داستان بهار سیاه و سرکوب فعالان مدنی در سال ۲۰۰۲ و... اشاره کرد.

از دوران تحریم تاکنون چین، هند، کره، ژاپن و ترکیه اصلی‌ترین خریداران نفتی ما بوده و هستند. در دوران تحریم ناگزیر بودیم که واردات خود را نیز از این کشورها به خصوص چین انجام دهیم. اکنون نیز بعد از برجام هنوز به یک اقتصاد نرمال در سطح جهانی دست نیاافته‌ایم اگرچه در حال حرکت هستیم و پیشرفت‌هایی نیز داشته‌ایم.

اگر ارتباط با کشورهای آسیایی مانند چین را در یک گستره بزرگ‌تر بررسی کنیم؛ پای آمریکا به عنوان یک متغیر سوم وسط می‌آید. رابطه دولت اوپاما با چین بهتر و با روسیه بدتر بسود اما به نظر می‌رسد در دولت ترامپ این شرایط تغییر کند. به خصوص با این اتفاقی که افتاد و اخراج دیپلمات‌ها. واکنش‌نشان‌ن دادن پوتین به این مسئله نیز نشان داد که به آینده روابط با آمریکا امیدوار هستند. به نظر می‌رسد با ادامه این وضعیت، در حوزه فعالیت شما تغییر ملموسی اتفاق خواهد افتاد.

اوضاع کنونی آمریکا مثل همان ۴۵ روزی است که آقای روحانی از زمان انتخاب تا تصدی سپری کرد. علانم و سگنال‌هایی وجود دارد اما نمی‌توان برپایه آن قضاوت کرد. مثلا به خاطر داریم که آقای روحانی خیلی خوب درباره عربستان صحبت و موضع‌گیری کرد اما دیدیم که نهایتا چه شد. درباره آمریکا نیز به‌نظر می‌رسد ترامپ با روسیه متحد شود و با چین بجنگد اما این‌طور نیست. در تفاوت رویکرد اوپاما و ترامپ تردیدی نیست اما این به معنی متحدشدن با روسیه و جنگ با چین نیز نخواهد بود.

اوضاع کنونی آمریکا مثل همان ۴۵ روزی است که آقای روحانی از زمان انتخاب تا تصدی سپری کرد. علانم و سگنال‌هایی وجود دارد اما نمی‌توان برپایه آن قضاوت کرد. مثلا به خاطر داریم که آقای روحانی خیلی خوب درباره عربستان صحبت و موضع‌گیری کرد اما دیدیم که نهایتا چه شد. درباره آمریکا نیز به‌نظر می‌رسد ترامپ با روسیه متحد شود و با چین بجنگد اما این‌طور نیست. در تفاوت رویکرد اوپاما و ترامپ تردیدی نیست اما این به معنی متحدشدن با روسیه و جنگ با چین نیز نخواهد بود.

سؤال من این است که تغییر رویکرد آمریکا در مقابل این دو قدرت، شرایط کار شما با چین و روسیه را تغییر نمی‌دهد؟

تصور این بود که اوپاما در جریان مذاکرات با ما خیلی کنار آمد اما آخر کار و در ماجرای تمدید تحریم‌ها دیدیم که نتوانست با نخواست کاری کند. به عبارتی وضعیت ارتباط ما با آمریکا و آمریکا با ما تغییر اساسی نکرده است.

سؤال من این است که تغییر برجام روابط ایران و آمریکا نبوده و به ترمیم روابط ایران و دیگر نقاط دنیا خواهد انجامید.

بله، هنر دولت یازدهم این بود که اتحاد دنیا با آمریکا را که در نتیجه اشتباهات قبلی ایران ایجاد شده بود، از بین برد. اکنون مدعیان برجام محروک‌نی و آلمان، فرانسه، روسیه و چین هستند. قرار نبوده که ما با برجام به رابطه نرمال با آمریکا برگردیم.

فکر نمی‌کنید برنده این ماجرا چین است؟ شما به دلایل توسعه روابط با کشورهای آسیایی اشاره کردید؛ مثلاً اینکه سابقه استعماری در ایران ندارند اما نکات منفی نیز وجود دارد. درباره روسیه که یک بدبینی عمیق تاریخی در نگاه افکار عمومی وجود دارد. به چین نیز به عنوان کشوری نگریده می‌شود که منافع اقتصادی در اولویت نخست آن است. ما باید مثل دوران تحریم حماسا جنس چینی بخریم؟ راهکاری برای این مسئله اندیشیده شده است؟

نیلید همه تقصیرها را گردن طرف مقابل انداخت. چین کشوری با یک‌ونیم میلیارد نفر جمعیت است که لباس مانیوی را از تن آنها درآورده و شیک‌ترین لباس‌های دنیا را به تشنان پوشانده است. باید به همین حکومت متمرکز سوسیالیستی که توانسته برای مردم خود رفاه نسبی ایجاد کند، آفرین گفت. او کار خود را انجام می‌دهد و ما باید به جای ابرادگرفتن از او، به خودمان نگاه کنیم. پرشدن اجناس چینی در بازار در نتیجه تحریم و سیاست‌های غلط خودمان بود. اکنون در مذاکره با چین، مانند یک کشور نرمال از نظر اقتصادی صحبت می‌کنیم و حرف از این نیست که بخشی از پول نفت را صرف واردات از این کشور کنیم. شاید مردم ندانند که میزان پروژه‌های ایجادشده در ایران کمتر از پولی است که در دوران تحریم در چین گذاشتیم. به اضافه اینکه بسیاری از پروژه‌ها هنوز اجرایی نشده است.

سؤال من می‌توانید بگویید؟
۲۲ میلیارد آتجا پول گذاشتیم.
ارزش سرمایه‌گذاری آنها در ایران چقدر بوده است؟
۱۹ میلیارد. توجه داشته باشید که این مثل شراکت در یک ساختمان‌سازی است. یک نفر زمینیه به ارزش مثلا دو میلیارد

می‌گذارد و طرف دیگر به مرور زمان دو میلیارد دلار در آن خرج می‌کند و نهایتا ساختمان را نصف می‌کند. نمی‌خواهم این مسائل را کالبدشکافی کنم اما...

اتفاق بیان این مسائل پاسخی است به سؤال مردم درباره اینکه دستاورد برجام چه بوده است؟
باید کلیات برای همه تکراری شده اما این جزئیات که مسئله را روشن می‌کند.

بله، البته این وظیفه رسانه‌هاست اما متأسفانه انصاف رسانه‌ای کم داریم و گاهی می‌بینیم که سیاست‌های پوپولیستی، مردم را گمراه می‌کنند.

اجازه دهید کمی دور گفت‌وگو را تندتر کنیم. در حرف‌های خود اشاره کردید که هند بعد از چین قدرت‌روبه‌رشد آسیاست. اصلی‌ترین سؤال درباره همکاری‌ها با هند، دریافت مطالبات پیشین است. آخرین رقمی که گفته شده ۶۰۵ میلیارد دلار است. بفرمایید اکنون دقیقا چقدر از هند طلب‌کار هستیم و آیا فرمول مشخصی برای این تسویه‌حساب مورد تفاهم قرار گرفته است؟

بهتر است این مسئله را به دو قسمت قبل و بعد از برجام تقسیم کنیم. در شرایط قبل با برجام ما چاره‌ای نداشتیم غیر از اینکه نفت را با همان شرایط به چین و هند بفروشیم بنابراین پول نفت آتجا خوابید و اکنون

دیپلماسی



عکس: ژنوفه رستمی، شرق

آبرفته از جوی را سطل سطل بازمی‌گردانیم

باید دنبال آن بدویم. آقای سیف رئیس کل بانک مرکزی به من می‌گفتند درباره هند از وزارت خارجه کمک می‌خواهیم تا هندی‌ها با ما بیشتر راه بیابند. گروهایی در کار است و آن‌طور که باید پیش نمی‌رود.

سؤال من مگر فکر نبود پول‌ها آزاد شود؟ پس اکنون مشکل چیست؟

یک‌سری مسائل جزئی وجود دارد که ورود به آن در تخصص من نیست. آقای طریف و آقای کامیاب معاون آقای سیف در سفر اخیر خود به هند در این خصوص نیز مذاکره کردند. نمی‌گویم خیلی در این بخش گرفتاری داریم. قسمت‌هایی از کار پیش رفته و شرایط نسبت به دوران تحریم خیلی تغییر داشته است.

مشکل فعلی که حتی با دوستان نزدیک خود نیز داریم این است که در دوران تحریم پولی آنجا رفته و حالا حکایت «خورده که ناخورده شود، دشمن جاناته شود» است. می‌گویم خودمان به آن پول‌ها نیاز داریم، آنها نیز موافقت می‌کنند اما روند کار را طولانی می‌کنند. به اعتقاد من این سرعت خوبی نیست. کشورهایی مثل هند، اقساطی نیز به ما پرداخته‌اند اما هنوز هم پول‌هایی باقی مانده که باید دریافت شود. موضوع مشکل‌ساز دیگر باقی‌ماندن محدودیت‌های بانکی ما در دنیاست. هنوز همه بانک‌های دنیا با ما کار نمی‌کنند بنابراین بخشی از مشکل به ترانسفر پول برمی‌گردد که اگر دلار باشد، کار سخت‌تری می‌شود.

سؤال من کشورهای آسیای میانه که بخش دیگری از حوزه فعالیت شماست، بیردازیم. با این کشورها نیز پیوستگی‌های فرهنگی داریم و حتی بعد از فروپاشی شوروی انتظار می‌رفت نفوذ بیشتری در آنها پیدا کنیم اما اکنون می‌بینیم که ترکیه در این بخش جای ایران را گرفته است؛ نظراتان در این باره چیست؟ برای ایجاد نفوذ بیشتر در این بخش، چه فکری شده است؟

اگر قرار به آنالیز سیاست خارجی ترکیه باشد، بعضی مسائل را نمی‌توانم به صراحت بگویم اما ترکیه به طور کلی در سیاست خارجی خود در منطقه موفق نبوده است. رویکردی که نسبت به سوریه دارند، مصداق شکست سیاست‌های ترکیه در سوریه است.

ما در رابطه با ترکیه سعی می‌کنیم آنها را تشویق کنیم، به آنها کمک کرده و کودتا را نیز محکوم کنیم اما اگر سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه را مقایسه کنیم، روشن می‌شود که وضعیت ترکیه اصلا خوب نیست. وضعیت داخلی این کشور را ببینید؛ حتی درآمد توریستی‌شان کاهش یافته است. ترکیه خود ناتو است اما رابطه‌اش با آمریکا چگونه است؟ با روسیه نیز مشکل داشت که اکنون بهتر شده.

اما در آسیای میانه و قفقاز موفق بوده است.

ترکیه در آسیای میانه تلاش‌های بسیاری کرد و در قسمت‌هایی از ما موفق‌تر بوده است. این را نیز در نظر داشته باشید که اکثر آسیای میانه از لحاظ تاریخی در هند هستند. ما نیز باید توجه بیشتری به آسیای میانه داشته باشیم. اگرچه قبلا نیز داشته‌ایم. به طور کلی مسئله تحریم خیلی به ما ضرر زد. ایستاده‌ایم، ملت تحمل کرد و نظام مدیریت، با این حال آسیب‌های زیادی دیدیم. یک مثال بزنم. قزاقستان با کشتی نفت می‌آورد بندر امیرآباد، در لوله می‌ریخت و نفت می‌آمد بالايشگاه تهران. این را دولت قبل با بدسیلچگی قطع کرد. قزاقستان نیز بازار دیگری پیدا کرد و نفت را فروخت. در همین سفر اخیر آقای روحانی خواستیم این همکاری از سر گرفته شود و گفتند مطالعه می‌کنند. لوله‌های ما در حال پوسیدن است چون چند سال از آن غافل شدیم. می‌گویند اگر فرزندان یک شب بیرون از خانه خوابید، دیگر رهاپش کنید. ما چهار سال در این منطقه گرفتاری‌های ویژه پیدا کردیم و حالا باید آن را سامان دهیم؛ ساماندهی در شرایطی که دیگر مشکلات اقتصادی داخلی و دیگر مسائل سیاست خارجی در دنیا و منطقه نیز هستیم. بازگ کردن خسارت‌هایی که مملکت دیده و دولت یازدهم برای جبران آن تلاش می‌کند، سخت است. بازگرداندن آب ازجوی‌رفته خیلی سخت است و ما سطل سطل آب را برمی‌گردانیم.

سؤال من در حوزه آسیای میانه، یک‌سری مشکلات سیاسی نیز با جمهوری آذربایجان داریم. یک مسئله کلی نیز تحت عنوان تعیین رژیم حقوقی دریای خزر وجود دارد که حساسیت بسیاری دارد.

اینکه در خزر مشکل داریم از جمله موضوعاتی است که من خیلی قبول ندارم. مگر اکنون در خلیج فارس رژیم حقوقی داریم؟

نه، اما حریم آب‌های سرزمینی هر یک از کشورها مشخص است و منطقه مورد اختلافی وجود ندارد.

با قزاقستان و قرقیزستان نیز صحبت شد تا به صورت مرحله‌ای به سمت لغو روادید برویم؛ البته احتمال لغو روادید با قرقیزستان بیشتر است. برنامه ایجاد پروازهای مستقیم به ژاپن، کره و سنگاپور را نیز داریم. ایجاد پرواز مستقیم به استرالیا نیز در برنامه است. ما در استرالیا و زلاندنو حدود صد هزار ایرانی داریم و این جمعیت پرواز مستقیم اقتصادی ایجاد می‌کند. به‌طورکلی می‌توان گفت وضعیت مسیر لغو ویزایی نسبت به سال قبل خیلی بهتر شده است؛ اما بازگشت اعتبار به پاسپورت ایرانی صرفا به یک دستور اداری بستگی ندارد و باید تعاملات، بده‌بستان‌ها و شرایط استاندارد ایجاد شود؛ از بهتر شود، برای مثال ما اکنون تعدادی «چترپاز» حرفه‌ای داریم که قاچاق شیشه و تریاک می‌کنند و این ویژگی بدی برای ماست.

سؤال من به قاچاق مواد مخدر اشاره کردید. می‌خواهم درباره وضعیت زندانیان ایرانی در مالزی و دیگر کشورها که اغلب به دلیل قاچاق مواد مخدر زندانی شده‌اند، سؤال کنم. وضعیت آنها چگونه است و چه کاری می‌توان برایشان انجام داد؟

ما نمی‌توانیم بگویم چون فردی تریاک قاچاق کرده، باید او را آزاد کنیم و بازگردانیم. در کشور خودمان نیز برای این جرم زندانی و اعدام می‌کنیم؛ بنابراین نمی‌توان گفت مالزی باید این کار را انجام دهد.

گفته می‌شود برخی از آنها قربانی محاکمه ناعادلانه شده‌اند.

محاکمه ناعادلانه در مالزی و همه جاهای دیگر وجود دارد.

سؤال من اما دستگاه دیپلماسی وظیفه دارد که وضعیت اتباع خود را پیگیری کند.

بله، ما مواردی را که اشتباه در محاکمه بوده، پیگیری کرده و آزاد کرده‌ایم؛ این را نیز در نظر داشته باشید که چقدر می‌توانیم در این حوزه هزینه کنیم.

سؤال من به استرالیا نیز اشاره شد. وضعیت پناه‌جویان ایرانی در استرالیا یک زخم کهنه و دردناک است. در این باره چه اقداماتی شده است؟

در این حوزه نیز پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. در سفری که داشتم، یک پیشنهاد جدید داند و بخش کنسولی ما از این پیشنهاد راضی بود.

سؤال من چه پیشنهادی؟

خواستاریم که دولت استرالیا به این افراد که خسارت دیده‌اند، مبلغی را برپردازد تا حاضر به بازگشت شوند. البته مسئله داوطلبانه‌بودن بازگشت این پناه‌جویان نیز بسیار مهم است و به اجبار کسی را باز نمی‌گردانیم. ظاهرا عده‌ای از این پناه‌جویان پذیرفته‌اند که با این شرایط به ایران بازگردند.

سؤال من آماری از تعداد این پناه‌جویان دارید؟
حدود ۳۵۰ نفر هستند. تعداد کمی خانم در بین آنها هست و بقیه مرد هستند.

سؤال من این عدد در حال اضافه‌شدن نیست؟
خیر، شدت عمل و نوع برخورد دولت استرالیا موجب شده که دیگر کسی به آن سمت نرود.

سؤال من کشور دیگری که مالیم به آن برپردازیم، کره است. البته من به‌عنوان یک خبرنگار سؤال می‌کنم و درک می‌کنم که شما به‌عنوان یک دیپلمات نخواهید به آن پاسخ دهید. به‌تازگی شاهد بودیم قراردادی که در دولت قبلی برای کشتی‌سازی با مشارکت کره، بسته شده بود، چالش‌برانگیز شد و فرمانده قراگاه خاتم در این باره اعتراض کرد. لطفا درباره این قرارداد توضیح دهید.

اجازه دهید یک توضیح مقدماتی بدهم. همین چند روز قبل همراه آقای طریف در جلسه‌ای بودیم، کسی که در آن جلسه نبود، از روی یک نوار حرف‌هایی را منتشر کرد. این را هم بگویم که آنچه ما در جلسه شنیدیم و آنچه آن نماینده اعلام کرد، تفاوت داشت. نکته اینجاست که ما یک‌سری را از داریم که مردم باید بدانند و غریبه‌ها نباید بدانند. مردم می‌دانند که گفتن برخی رازها پشت بلندگو منجر به سوءاستفاده غریبه‌ها می‌شود و راضی می‌شوند که آنها را نگوئیم. رازهایی نیز وجود دارد که مردم باید بدانند؛ چون ممکن است به فساد مسئولان ختم شود. در این موارد خبرنگار باید تا ه‌رجا که می‌شود، برود و مسئله را کشف کند؛ چراکه راز منافع ملی نیست و راز منافع مالی اشخاص است. همین کره را مثال بزنیم. آنچه به برکناری رئیس‌جمهوری انجامید، به منافع مالی اشخاص مربوط می‌شد؛ اما آنچه در جلسه آقای طریف در مجلس مطرح شد، راز منافع ملی بود. او حتی سود کافی برای درک موضوع را نداشته است. همه فکر می‌کنند درباره مسائل هسته‌ای صاحب‌نظر هستیم؛ درحالی که بسیار تخصصی است.

درباره سؤال شما و قرارداد خرید کشتی نیز باید گفت که مربوط به سال ۲۰۰۸ و دولت قبل است. به‌اضافه اینکه بحث فاینانس مطرح است؛ یعنی منابع مالی خارجی دارد. خود کره این پروژه را تأمین مالی می‌کند و از درآمدهای مالی کشتی مربوطه پول خود را می‌گیرد. نکته دیگر این است که نیاز ما به کشتی‌سازی بیش از این قرارداد است؛ بنابراین قراردادها خاتم نیز اگر می‌تواند، بسازد. منابع را تأمین کنند و قراردادها سازد تا کارگر ما سر کار برود. نمی‌توان گفت چون در این پروژه کارگر ایرانی سر کار نمی‌رود، این پروژه را کنار بگذاریم و هیچ درآمدی ایجاد نشود. این استدلال درستی نیست. اگر ما دو گزینه یکسان از داخل و خارج داشته باشیم، قطعا باید گزینه داخلی را انتخاب کرد؛ اما در این مورد دو گزینه یکسان نداریم.

کوتاه دیپلماسی

آخرین وضعیت «نازنین زاغری»

● **ایسنا:** همسر نازنین زاغری از انتقال وی به بند عمومی خبر داد و گفت حال وی خوب است. به نوشته روزنامه گاردین، ریچارد راتکلیف، همسر نازنین زاغری که در ماه سپتامبر به ایران به پنج سال حبس محکوم شد، به شبکه رادیویی بی‌بی‌سی گفت زاغری از انفرادی به بند عمومی منتقل شد و اکنون در کنار دیگر زنان است. وی همچنین گفت حال همسرش از هفته گذشته، پس از قرار گرفتن در کنار دیگر زندانیان، بهتر شده و وی شرایط مناسب‌تری دارد. به نوشته گاردین، نازنین زاغری سوم آوریل ۲۰۱۶ در فرودگاه امام خمینی تهران، زمانی که قصد داشت ایران را ترک کند، بازداشت شد.

دادگاه تجدیدنظر «نزار زکا» ۱۸دی ماه

● **ایسنا:** یک منبع رسانه‌ای در سفارت لبنان، گفت: دادگاه تجدیدنظر « نزار زکا، تبعه لبنانی بازداشت‌شده در ایران، ۱۸ دی برگزار می‌شود. این منبع رسانه‌ای در سفارت لبنان با بیان اینکه این متهم اکنون از وکلای ایرانی و لبنانی برخوردار است و سفارت این کشور در تهران در سطوح مختلف در حال رایزنی با مقامات ایران برای پیگیری پرونده این تبعه لبنانی است، ادامه داد: طبق پیگیری‌هایی که انجام شده است، این امکان به وجود آمده که همسر نزار زکا هر دو هفته یک بار با وی ملاقات کند و او با خانواده‌اش در تماس است. این منبع رسانه‌ای در سفارت لبنان در تهران با اشاره به حوزه کاری نزار زکا، مدعی شد: وی چهار بار به دعوت معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به ایران سفر کرده بود. در سفر چهارم، هنگامی که قصد خروج از ایران را داشت، در فرودگاه امام خمینی بازداشت شد.

مرد پاکستانی به جاسوسی متهم شد

● **ایسنا:** مقامات قضائی آلمان علیه مردی پاکستانی با ادعای اینکه برای ایران جاسوسی می‌کرده است، اعلام جرم کردند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، دادستانی آلمان روز دوشنبه اعلام کرد سیدمصطفی اج، از سال ۲۰۱۱ تاکنون با آژانس‌های اطلاعاتی در ارتباط بوده و برای ایران نیز جاسوسی می‌کرده است. در بیانیه دادستانی آلمان همچنین آمده است که این مرد ۳۱‌ساله از جولای ۲۰۱۵ نیز از رئیس پیشین جامعه اسرائیل – آلمان که روابط میان این دولت و تقویت می‌کند، جاسوسی کرده و در ازای ارائه اطلاعات خود، پول دریافت کرده است.

ادامه از صفحه ۷

زنجانی‌ها رادعایی دارد بررسی کنید

گویا ادعاهای زنجانی زیاد است و شایعات هم زیاد؛ مثلا چندی پیش شایعات درباره یکی از سرداران سپاه باعث شد تا او نسبت به آن واکنش نشان دهد؛ به نوشته فارس: «چندی پیش برخی سایت‌ها و افراد شایعه همکاری سپاه با یکی از متهمان بزرگ نفتی (بابک زنجانی) را مطرح کرده و این‌طور مطرح کردند که برخی فرماندهان سپاه نیز با وی همکاری داشته‌اند و برای نمونه اسم و تصویری از سردار «سیدمرتضی میربان»، فرمانده سابق نیروهای ویژه زمینی سپاه، نیز منتشر کردند. او به برنامه «بدون تظاهر، بخش خبری «۲۰:۳۰» جمع، ۱۰ دی ماه، دراین‌باره گفت: «البته این شایعه را درباره بنده هم به کار بردند و عکسی را برای اولین بار یک سایت انگلیسی منتشر کرد و مدعی رابطه بنده با بابک زنجانی شد؛ اما آن عکس مربوط به اعطای درجه به شهید محمد غفاری (از شهدای یگان صابرین که در مقابله با یک شهید بزرگ در جلسه بود و به دلیل شباهت ظاهری این شهید بزرگوار با آن فرد، مدعی چنین ارتباطی شده بودند».

زنجانی: یادآور یکشنبه سیاه

یکی از یکشنبه‌های بهمن‌ماه ۱۳۹۱ معروف به «یکشنبه سیاه» بود که برای اولین بار نام زنجانی از یک تریبون رسمی شنیده شد؛ وقتی که «محمود احمدی‌نژاد» که برای امتیضاح وزیر کار دولتش به بهارستان رفته بود، به جای دفاع از وزیر خود، وقت تأمین اجتماعی، ضبط شده بود. در این فیلم چندین‌بار از «بیز» سابق و «بابک زنجانی» فعلی نام برده می‌شود؛ آن هم از مانیفورها بزرگ در جلسه علنی مجلس که از رادیو هم پخش مستقیم می‌شد. حالا بیش از سه سال از بازداشت زنجانی، یکی از دوزنندگان تحریم‌های بین‌المللی ایران می‌گذرد. او پس از چندین جلسه دادگاه نهایتا به اعدام محکوم شد. دلیل آن هم افساد فی الارض است؛ زنجانی در دوران تحریم قسمتی از نفت تفرات را با روش‌هایی فروخته؛ ولی پول آن را به خزانه بازنگردانده است. مبلغ طلب دولت از زنجانی نزدیک به سه میلیارد دلار برآورد می‌شود. این‌ موضوع پس از روی‌کارآمدن دولت یازدهم در دستور کار قرار گرفت و نهایتا ۹ دی‌ماه ۱۳۹۲ بازداشت شد.